

# حجت الاسلام والمسلمین سورمه چشم امام جمعه موقت در خطبه های این هفته: آمادگی نظامی یک ضرورت میباشد کسانی که در رزمایش ها جهت آمادگی دفاعی شرکت میکنند و کردند قدر بدانند چون در رکاب حضرت بقیه الله میباشند

خطبه اول

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون ولا يخصي نعماءه العادون ولا يودى حقه المجتهدون فطر الخلائق بقدرته ونشر الرياح برحمته وتند بالصخور ميدان أرضه والصلاه والسلام على خير خلقه وأشرف بريته مولانا ومقتدانا أبي القاسم محمد (ص) وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين ولعن الدائم على اعدائهم أجمعين من الآن الى قيام يوم الدين وبعد قال الله العظيم في كتابه العظيم: وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

عباد الله اوصيكم و نفسى بتقوى الله

خودم را و شما خواهران و برادران عزیز نمازگزار را سفارش میکنم به تقوای الهی و دوری از گناه

قال رسول الله (ص) خصله من لزمها عطائه الدنيا والاخره وربح فوز الدنيا والاخره قيل يا رسول الله ما هي؟ قال: التقوا

خودم و شما را به رعایت تقوا سفارش می کنم که پیامبر خدا در این حدیث نورانی فرمودند صفتی است که اگر کسی آن را رعایت کند و به کار بندد دنیا و آخرت به او عطا می شود و فوز دنیا و آخرت، سود دنیا و آخرت به او می رسد. پرسیدند یا رسول الله این خصلت چیست که فرمود تقوا، خدا را و محضر خدا و علم خدا و قدرت خدا و توجه به حضور خدا داشته باشد.

من اراد ان يكون اعز الناس فليتق الله؛ هر که می خواهد عزیزترین مردم باشد خدا را نگه دارد و عظمت خدا را حفظ کند کسی که اهل تقواست خدا او را رها نمی کند و در این حدیث این طور آمده است که حضرت به این آیه شریفه تلاوت فرمودند که «و من يتق الله يخرج له مخرجا» کسی که تقوا داشت خدا راه خروج از گرفتاری ها و مصائب و مشکلات را برای او قرار می دهد و کار او به بن بست نمی رسد و سردرگم نمی شود. انسان باتقوا راه خروج از گرفتاری ها برایش هست و همیشه امید به رحمت خدا و چشم عنایت به لطف خدا دارد و می داند خدا او را رها نمی کند. اگر آسمان و زمین بر روی کسی بسته باشد و آن شخص خدا و تقوا خدا را داشته باشد راه خروج از آن مشکلات برای او باز است و این نهج البلاغه است. وقتی که عثمان حضرت ابوذر را سفارشی است که امیرالمومنین به جناب ابوذر فرمودند. خطبه ۱۳۰ به ریزه تبعید کرد. یک بیابان بی آب و علف و خشک با کمترین امکانات گفت کسی حق ندارد که ابوذر را بدرقه و مشایعت کند امیرالمومنین، امام حسن و امام حسین علیهم السلام ابوذر را بدرقه کردند که کلماتی از حضرت علی رسیده که دلداری دادند ابوذر را، فرمودند: يَا أَبَاذَرٍّ، إِنَّكَ غَضِبْتَ لِلَّهِ فَارْجُ مِنْ غَضَبِ لَه، ابوذر برای خدا غضب کردی از خدا هم توقع داشته باش. امیدت به خدا باشد. همان طور که برای خدا تو این اعتراض و ایراد را بر دستگاه حکومت گرفتی، إِنَّ الْقَوْمَ خَافُوكَ عَلَى دُنْيَاهُمْ، وَ خَفْتَهُمْ عَلَى دِينِكَ، فَاتْرُكْ فِي أَيْدِيهِمْ مَا خَافُوكَ عَلَيْهِ، دستگاه حکومت عثمان به خاطر دنیای خودشان از تو ترسیدند. تو افشاگری کردی، خلاف ها عصیان های بیت المال را افشا کردی و دیدند اگر ابوذر در مدینه باشد اینها را افشا می کند. ابوذر چندبار تبعید شد. یک بارش به ریزه بود و بار دیگری به کوه های جبل عامل بود و شیعیان جنوب لبنان در واقع شاگردانی از مکتب جناب ابوذر بودند. که چند صباحی ابوذر به آنجا تبعید شد یک عده شیعه آنجا تربیت کرد که بعد از ۱۴۰۰ سال شیعیان لبنان که اکنون به عنوان رکن مقاومت در برابر اسرائیل قرار گرفته اند

دست پرورده آن جناب بزرگوار جناب ابوذر بودند. از آنجا که برگشت ایشان را مجدد به ریزه تبعید کرد. آن دست بردهایی که به بیت المال زده شده بود را به مردم گفت که عثمان در مقام خلافت رسول خدا ولی این طور به بیت المال دست زده است. که داستان های مفصلی دارد. کارهایی که عثمان کرده است شیعه و سنی همه نوشته اند. چقدر به اولاد خودش، به دامادهای خودش که در نج البلاغه خطبه سوم امیرالمومنین حکومت عثمان را با همین عنوان معرفی می کند: الی ان قام ثالثهم سومی آنها که قیام کرد یعنی عثمان از بس از بیت المال خورد پهلوهاش باد کرد. پهلوهایش از پول بیت المال ورم کرد که پسران پدرش یعنی پسر عموهاش مثل مروان حکم و برادرانش و اقوامی که از برادران عاص داشت که اینها همه ریشه واحد داشتند. اینها از بیت المال خوردند تشبیهی که امیرالمومنین می کند این است: یأکلون مال الله، مال خدا را می خوردند که شتر در فصل بهار سبزیجات بیان را این طور که در فصل بهار شتر دهانش را باز می کند و یکجا سبزیجات را می بلعد. «خزمه الربیع» مثل سبزی در فصل بهار و آن نبات و رویدنی در فصل بهار که این طوری از بیت المال می ابوذر را تبعید کردند به ریزه، خوردند که مورد اعتراض صحابه قرار گرفت که یکی از آنها جناب ابوذر بود إِنَّكَ غَضِبْتَ لِلَّهِ فَارْجُ مِنْ غَضَبِهِ. امیرالمومنین فرمودند غصه نخور، امیدت به همان کسی باشه که برای او غضب کردی لَهُ، إِنَّ الْقَوْمَ خَافُوكَ عَلَى دُنْيَاهُمْ، وَ خَفْتَهُمْ عَلَى دِينِكَ، تو برای دینت قیام کردی و ترسیدی مبادا مورد مواخذه خدا قرار بگیری، آنها از دنیاشان ترسیدند. شما آنها را از آن دنیایی که ترسیدند واگذار. دنیا را بهشون محول کن و آن چیزی که برای خودت ترسیدی یعنی دین، خدا، قیامت امر به معروف، نهی از منکر آن هم برای خودت باشد

بعد فرمودند ابانر بدان، وَ لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ كَانَتَا عَلَى عِبْدٍ رَتَقَا، اگر آسمان ها و زمین ها بر بنده ای که ببندند یعنی راهش بسته شود. لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا مَخْرَجًا، خدا از آسمان بسته راه را برایش باز می کند. نمی شود کسی به خدا پناه ببرد و خدا به او پناه ندهد، نمی شود کسی به خدا پناه بجوید و خدا او را پناه نهد و کسی که متوجه خدا شد و صورتش را مقابل خدا قرار داد و با خدا وارد مذاکره شد. موانسه کرد، درد و دل کرد، مناجات کرد و با خدای خودش راز و نیاز کرد، این انسان دست خالی بر نمی گردد. محال است کسی به خدا پناه ببرد و خدا او را رها کند. این از رحمت خدا از لطفی که خدا بر خودش واجب کرده؛ کتب علی نفسه الرحمة، خدا خودش بر خود رحمت را واجب کرده نه اینکه ما تکلیف کنیم بر خدا، نه خدا بر خودش تکلیف کرده و رحمت را بر خودش واجب کرده است و لذا نمی شود. محال است از آن لطف خدا که کسی به آن پناه ببرد و خدا او را رها کند. از آن باب که خدا فیاض است، فیاض علی الإطلاق، خدا رحمت است، رحمت مطلق است. خدا لطف و محبت و کرامت است و از آن باب محال است کسی به او پناه بگیرد و جواب نگیرد که اینجا هم به ابانر فرمودند: وَ لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ كَانَتَا عَلَى عِبْدٍ رَتَقَا ثُمَّ اتَّقَى اللَّهُ لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا مَخْرَجًا، اگر در آسمان و زمین بر روی کسی ببندند و او به خدا پناه ببرد خدا راه را بر او باز می کند. خوش به حال کسی که خدا دارد و بد به حال کسی که همه چیز دارد ولی خدا ندارد. آن که خدا دارد ولو هیچ سرمایه ای نداشته باشد این ثروتمندترین انسان هاست و آن که خدا را ندارد ولو دنیا را داشته باشد فقیرترین انسان هاست. این چیزی است که دین به ما آموخته و حقایقی است که از زبان قرآن مجید و احادیث اهل بیت به ما رسیده است. و حقیقت تقوا که در نماز جمعه باید تذکر داده شود بر همین مناسبت که آن محور و کانون اصلی حرکت، عزت خداست و رعایت محضر خدا و آنکه از خدا جدا شد و از او منفصل شد و از خدا برید هیچ ندارد. شاید به ذهنش عزتی و مقام توهمی غیرواقعی بیاید ولی قرآن می گوید این شخص چیزی ندارد فقیر است بیچاره است ضعیف است، خلق الانسان ضعیفا، انسانی که خدا ندارد ضعیف است و آن انسانی که به خدا پناه برد می فرماید: واللّه غالب علی امره ولكن اکثر الناس لا یعلمون، اگر خدا داشت، خدا غالب است و سربلند است و همین طور بنده خدا هم غالب و سربلند است که ان ینصرکم الله فلا غالب لکم که اگر خدا یاری تان کرد کسی بر شما غالب نمی شود و ان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده که اگر خدا شما را رها کرد چه کسی است که بعد خدا شما را یاری کند. در این خطبه ۱۳۰ نهج البلاغه هم فرمایش امیرالمومنین به جناب ابوذر همین است کارش را تحسین کردند و از این اعتراضی که کرده بود تقدیر کردند و او را مشایعت کردند و او رفت به سمت ریزه. امیرالمومنین در همان خطبه ششقیه اعتراض جناب ابوذر را از زبان خودش بیان کردند که همچون خلاقی از بیت المال در زمان عثمان واقع شد. عزیزان یک نکته ای عرض کنم و خطبه اول را پایان بدهم. در زمان عثمان به بیت المال دست زدند. دست درازی شد. غارت کردند. قَامَ مَعَهُ بَنُو أَبِيهِ يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ خِضْمَةَ الْإِبِلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ إِلَى أَنْ انْتَكَتْ عَلَيْهِ قَتْلُهُ وَ أَجْهَزَ عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَ كَبَّتْ بِهِ بِطْنَتُهُ

مثل شتری که سبزی بهار را می بلعد بیت المال را بلعیدند. در زمان خود امیرالمومنین هم امام به برخی از فرمانداران و والیان اعتراض می کند که ای فلان و ای فلان مثلا به عبیدالله بن عباس اعتراض می کند که فهمیدم در بیت المال دست درازی می کنند

خوب چه فرقی می کند؟ شاید این شبهه در ذهن ما القا شود که اگر عثمان به بیت المال دست زد در زمان خلافت حکومت امیرالمومنین هم به نحو دیگر به بیت المال دست زده شد. شاهد آن نامه های است که در نهج البلاغه است مثلاً نامه ۳۹، نامه ۴۱، اینها مطالعه کنید می بینید امام با شدت و کمال ناراحتی به آن فرماندار می نویسد: به من رسیده همچنین خبری، آگه راست باشد وای به حالت، اگر برنگردانی با آن شمشیری تو را می زنم که به کسی نزنم مگر آنکه به جهنم واصل شد. خوب این چه فرقی کرد؟ شما می گوید کار عثمان اشتباه بوده است، خوب در خود زمان امام هم واقع شده است.

خوب جوابش را دقت کنید که چه عاملی باعث می شود که حکومت علوی را از حکومت عثمان جدا کند. آن چیزی که در حکومت عثمان اتفاق افتاد دست برد شخص خلیفه، یعنی جانشین پیامبر به بیت المال بود. نوشتند داماد های خودش هر کدام ۴۰۰ دینار داد. به مروان حکم فلان مقدار و مهمانانی که واردش می شدند هدیه می داد آن هم ۵۰۰ هزار دینار که آن چیزی که در زمان امیرالمومنین واقع شد نه از مرکز خلافت بلکه از دست به پول امروز نمی توان حساب کرد عوامل حکومت تحت عنوان مسنول و والی در شهرها بودند اتفاق افتاد که به حضرت خبر دادند که این جور چیزی اتفاق افتاده که حضرت می گویند اگر راست باشد این طوری، به فرض این که واقع شده باشد فرق بر این است که آن مرکز پاک و سالم و در کمال صداقت با مردم حرف می زند ولی عواملی در کنار مرتکب جرم اختلاس و دست بردن در بیت المال می شود. که این نقصی به حکومت امیرالمومنین وارد نمی شود چرا؟ چون حضرت که معصوم است کمترین جرم و گناهی هم به ساحت مقدس امیرالمومنین نیست! عواملی در گوشه و کنار اسیر شیطان، هوای نفس و اسیر این دنیای پر زرق و برق شده و خلافتی کرده است. این یک چیز طبیعی است یک وقتی به ذهن ما نیاید حالا چه فرقی می کند در جمهوری اسلامی هم دست بردند در بیت المال. در فلان بانک این طور شد آن طور شد. این فرق از همین جاست که در حکومت امیرالمومنین آن چیزی که اتفاق افتاد با آن چیزی که در حکومت عثمان اتفاق افتاد فرق از زمین تا آسمان است. اگر خوب دقت کنید اساس حکومت عثمان بر این بود که اقوام و خویشان و نزدیکان خود را بر انرژئی کند و به آنها ثروت بدهد و غنی کند و اساس حکومت امیرالمومنین بر عدالت، انصاف، تقوا و پاکی بود. البته گوشه و کنار یک خلاف هایی می شود و آن هم نه به خاطر امیرالمومنین که حضرت پاک و معصوم است و میرا از خطا؛ بله، عوامل حضرت می توانند آنها که معصوم نیستند، مثلاً نوشته اند فرمانداری در اطراف آذربایجان یا فرمانداری در اطراف فارس اینها مرتکب خلاف شدند و این به حکومت امیرالمومنین نقصی وارد نمی کند. چون در خود مرکز این خلاف صورت نگرفته است لذا در آن زمان هم به خود حضرت ایراد نگرفتند. از آن عامل ایراد گرفتند از آن فرمانداری که این مرتکب شد. من و شما در این زمان شنیدیم در گوشه ای خلافتی مرتکب شده اند این هیچ ارتباطی با اصل نظام و قداست و پاکی نظام و پاکی و طهارت رهبری و کانون حکومت ندارد. این را به عنوان شاهد عرض کردم که در این جلسات، در این تبلیغات مخصوصاً در این فضای مجازی گاهی به ذهن جوانان ما این گونه القاء می کنند که آن موقع هم این طوری بود الان هم همین طوری شد. نه، فرق خیلی هست. ما باید قدر این پاکی و طهارتی و تقوایی که نظام مقدس اسلامی بر آن استوار است بدانیم و از خدا هم بخواهیم آن گوشه و کنارها آنهایی که اسیر شیطان ها و نفس اماره شده اند. اسیر زرق و برق دنیا شده اند و به نوعی گوش به حرف شیطان کرده اند و به بیت المال دست زده اند اول از خدا بخواهیم که خدا آنها را بیدار کند و به آنها بفهماند سعادت در صدق و پاکی است و اگر هم قابل هدایت نیستند ان شاء الله به دست این نظام و با قدرت نظام ادب بشوند مجازات بشوند و ابرو این نظام را با این کارهای خلاف خود نبرند.

خداوند تو را می خوانیم روح تقوا به همه ما عنایت بفرما

خدایا روح بلند امام ما، ولی نعمت ما، ارواح شهداء همه را شاد بفرما

تو را به عظمت قرآنت قسم می دهیم ما را نسبت به معارف این کتاب آشنا بفرما

## خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايهاالذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن و انتم مسلمون

اهل ایمان تقوا را رعایت کنید و آن هم حق تقوا که امام صادق در ذیل این آیه شریفه فرمودند: حق تقوا در سه چیز است: ان تذکر و حق تقوا با این سه چیز محقق می شود ان تشکر و لا تکفر شکر خدا بکنی و کفران نکنی نعمت های خدا را لاتنسی خدا را یاد کنی و فراموش نکنی ان تعظیه و لا تعصیه خدا را اطاعت کنی و معصیت کنید

که خدا را شکر کنی و ناسپاسی نکنی، باران رحمت خدا نازل شده است، خدا را شکر کن و معصیت نکن. سرپیچی نکن از این، از نعمت های خدا خوب استفاده کن. که با شکر شما نعمت بیشتر شود. لئن شکرتم لازیدنکم، و من شکر فانما یشکر لنفسه، هرکس شکر نعمت کرد به نفع خود عمل کرد یعنی نعمت بیشتر عاید خودش می شود و کسی که کفران کرد و ناسپاسی کرد لئن کفرتم ان عذابی لشدید. که خداوند این تعبیر را دارد ولی حضرت سلیمان یک تعبیر دیگری دارد که حضرت سلیمان وقتی دید تخت و تاج بلقس جلوی روی او هست گفت و من یشکر فانما یشکر لنفسه و من کفر فان الله غنی کریم خدا وقتی خودش می گه می گه ان عذابی لشدید ولی حضرت سلیمان چون بنده است و می داند همه بندگان مثل خودش اشتباه می کنند نگفت که عذابت شدید است گفت اگه شکر کرد بیشتر بهش بده و اگر شکر نکرد تو بهش رحم کن، او بده تو خوبی. ما هم باید به خداوند همین را بگویم که اگر توفیق شکر را به ما دادی که خوش به حال ما و اگر هم نشد شکر به جا بیاوریم، شیطان و عوامل شیطان نگذاشت تو غنی و کریمی، به ساحت تو نقصی وارد نمی شود. که این تعبیر حضرت سلیمان که جلوه دیگری از رحمت خداوند است که خودش این گونه ما را تهدید کرد که لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید

ایامی که در آن قرار داریم مناسبت هایی است که از آنجا که مهمترین مناسبت ایام شریف فاطمیه است و حق حضرت بر ما این است که یاد کنیم و این ایام را بزرگ بشماریم و با یاد حضرت زهرا خودمان را مشمول فیض خدا کنیم. چند دقیقه ای باشد توسلی به حضرت زهرا داشته باشیم که هر کسی هر حاجت و مشکلی دارد به حق این عصمت کبری حضرت زهرا حل شود

همان طور که اطلاع دارید رزمایش الی بیت المقدس برگزار شد که برخی از افرادی که در این رزمایش حضور داشتند در نماز جمعه حاضر شدند و عزیزان دیگر هم که برای مناطق دیگر بودند به مناطق خودشان رفتند که قدمشان روی چشم. این آمادگی نظامی و آمادگی دفاعی این کشور ما یک ضرورت است و عزیرانی که در این بسیج مقدس به عنوان عضو فعال یا رده های دیگر انجام وظیفه می کنند این موقعیت ها را قدر بدانند. قطره قطره جمع گردد که کسی نگوید مثلاً از دست من چه کاری ساخته است وقتی همه ملت دست به دست هم بدهند کارهای فوق العاده ای از دست آنها برمیاد. و این رزمایش ها نشان قدرت دفاعی کشور است و همین ها بازدارند هاست ما به همه این عزیزان و تمام افراد تشکر می کنیم.

ایمان و معرفت بیشتر و توفیق انجام وظیفه به طوری که مورد رضایت اولیاءدین هست حاصل شود

## خدایا جوانان ما را در کنف هدایت خود نگه بدار

و شر دشمنان را از سر همه مستضعفان مخصوصاً این کشور شیعه کوتاه کن

ششمین اجلاس و کنفرانس بین المللی حمایت از مردم مظلوم فلسطین در کشور ما برگزار شد که روسای بیست مجلس اسلامی و اندیشمندان و متفکران و کسانی که عدالت خواه بودند حاضر شدند و خبرش را دنبال کردید و اهمیتش را یافتید. که رهبر انقلاب باین همه مشغله شخصاً در آن حاضر شدند و با آن سخنان متین و وزین و قیمتی و جهانی، سخنانی که نشان از ایمان و اعتقاد و عدالت و تقوا داشت به گوش جهانیان رساندند. حرف هایی که همه حکیمانه بود از روی منطق و دلیل بود دنیا با انصاف یقیناً در برابر آن خشوع می کند و تسلیم است. که یک ملت مظلومی را از خانه و کاشانه خود بیرون کردند به بهانه های مختلف به بهانه های واهی و عجیب اینکه این دنیای متمدن و روشن و متفکر اهل این کشور مقاومت را تروریست می خواند. حزب الله را به عنوان .را که برای دفاع از کشور خود حرکت می کند تروریست می نامد یک گروه تروریستی می داند. اینها باید روشن شود و دل هایی که در دنیا هست و خیلی ها طالب حقیقت اند روشن می شود و پاسخ محکمی بود که دستگاه استکبار، آمریکا و اسرائیل و آل سعود داشتند. و جواب دندان شکنی به آنها دادند. رهبر انقلاب در این سخنرانی خودشان همه گوشه ها و زوایای کار را بررسی کردند و چه تذکرات به جایی به مقاومت دادند که حواستون جمع باشد گول دشمن نخورید. از جهات مختلف به شما حمله می شود. گاهی می گویند مقاومت چه کرده؟ چه نتیجه ای داشته؟ گاهی هم می آیند بین شما اختلاف می اندازند و این گروه را با آن گروه می اندازند که این تذکرات مهمی بود که رهبر ما بیان کردند. خداوند سایه رهبر عزیزمان بر سر ما مستدام بدار و بر توفیق و تأییداتشان بیفزای و ان شاء الله نوید این وعده هایی که دادند و آنابودی اسرائیل است بشارتش را به زودی زود به ما برسان. شر مخصوصاً این خانین به اسلام که در لباس اسلام خیانت می کنند .استکبار اسرائیل و آل سعود را از سر مسلمین کوتاه کن .را نابود کن

خوب عزیزان ایام فاطمیه همان طور که در جریان هستی خدا مقدر کرده دو فاطمیه ۷۵ روز یا ۹۵ روز که این زمان بین دو زمان موقعیت مناسبی است برای مبلغین، منبری ها و اهل سخن که در مناقب، فضائل و کرامات حضرت زهرا سخن بگویند. مثل ده شب محرم که فضا مناسب است برای تبلیغات دینی و شعائر اسلامی، این ایام بی الفاطمیتین فضای مناسبی است برای تعظیم اشعائر فاطمیه که تعظیم از شعائر شیعه است. اینها حقایقی است که شیعه و سنی در کتب خودشان ذکر کرده اند اینها را باید بیان کرد نه اینکه بخواهیم تشنج و تنش ایجاد کنیم بلکه از ذکر حقایقی که در تاریخ رخ داده است. امیرالمومنین این حقایق را در نهج البلاغه نمونه اش خطبه شقشقیه خطبه سوم نهج البلاغه می بینید اینها درد و دل های امیرالمومنین است. اینها حقایقی است که همه باید بدانند و ابن ابی الحدید در شرح این خطبه می گوید من کتبی دیدم که ۲۰۰ سال قبل از سید رضی این خطبه را نوشته اند. یک وقت کسی فکر نکنه این اختراع سید رضی که این هم عالم بزرگی بوده است، بسیار رعایت می کرده و سند را می دیده است مع ذالک ابن ابی الحدید می گوید من این خطبه شقشقیه را در کتاب هایی دیدم که ۲۰۰ سال قبل از نهج البلاغه نوشته شده است. اینها یک واقعیاتی است که در تاریخ ثبت شده است نمونه آن خطبه حضرت زهرا مشهور به خطبه فدکیه است. که خطبه مفصلی است و آن هم نوعی بیدار کننده است. یک اخطاری می دهد به دل های خفته برای بیدار کردن وجدان های پاک که چه اتفاق هایی افتاده و برای اسلام بعد از پیامبر چه پیش آمده است. ما هم باید مواظب باشیم که انقلاب اسلامی به این صورت دست خوش تغییر و تبدیل و تحریف نگردد. این خطبه الزهرا، خطبه فدکیه که مفصل است به حمدالله کتاب هاش چاپ شده است و من دیدم در تقریض آیت الله مکارم که فرمودند: علما این قدر عنایت داشتند به این خطبه که فرزندان خود را تشویق می کردند به حفظ این خطبه، یعنی دخترها و پسرها این خطبه را حفظ کنند و مفاهیم و معانی آن را بیابند که حقایق دین و معارف اسلام در این خطبه است با همه ابعادی که حضرت در این خطبه از وجود خودشان از فضای دینی و معرفتی خودشان قرار داده اند و بعضی از آن علما و بزرگان باید بیابند جمله به جمله آن را شرح دهند. حضرت زهرا ما نمی دانیم چه وجودی است از این کلمات یک قطره ای از این دریای معرفت را بشناسیم. این هم از روی خود سخنان حضرت و باز هم ما راهی نمی توانیم برای معرفت ایشان داشته باشیم جز کلام خود حضرت یا پیامبر و امیرالمومنین در وصف ایشان که ببینید امام راحل چگونه در توصیف حضرت زهرا سخن دارند: فاطمه زهرا زنی بود که در یک کلبه محقر خانه کوچک فرزندان تربیت کرد که شهره و آوازه آنها به افلاک می رسد. قریب به همین معنا سخنی است که حضرت امام در وصف حضرت زهرا گفته اند. یک وقت ما تصور نکنیم حضرت زهرا مثلاً یک زنی بوده اند که بعد از رحلت پیامبر گریه و رنج و درد بوده است. اونم یک بخشی از زندگی است اما مهمتر آن نه سالی است که در خانه حضرت علی به عنوان یک مادر انجام وظیفه فرمود که پیامبر خدا می گویند وارد خانه زهرا شدم دیدم زهرا لباس خشنی پوشیده و با دست های خود در حال آرد کردن گندم است و در همان

حال بچه شیر می دهد. زن این نمونه است. ما یک موقع به یک بعد حضرت زهرا نپردازیم و بعد دیگر آن را فراموش کنیم. آن هم یک بعدش عبادت و قیامش در محراب عبادت به جای خود و در وقت کار وظیفه یک خانم اداره یک خانه است. پیامبر خدا فرمود وارد شدم دیدم حضرت زهرا با یک دستش دارد گندم آسیاب می کند و فرزندش در دامن حضرت زهرا دارد شیر می خورد. وقتی این حالت حضرت زهرا دیدم چشم هام از اشک پر شد و پیامبر خدا رو به حضرت زهرا کردند و گفتند: تعجلی لمراره الدنيا بحلاوه الآخرة، سختی دنیا را تعجیل کن به شیرینی آخرت، یعنی اینها عبادت هست اینکه خانم جارو دست می گیرد و خانه را جارو می زند و خانه را آماده می کند برای فرزندانش و شوهرش اینها عبادت است که پیامبر خدا فرمودند شیرینی آخرت با همین کارها به دست می آید و بعد حضرت زهرا فرمودند من راضی ام. الحمد لله علی نعمائه و الشکر علی آلائه، من شاکرم این نعمت را که خدا این وظیفه را به دوش من گذاشته است که کار در خانه بر عهده من و کار بیرون بر عهده امیرالمومنین هر کدام به جای خودش انجام وظیفه می کنند که در ذیل این روایت می فرماید این آیه که فلسوف یعطیک ربک فترضی، پس آن قدر به تو عطا می کنیم که راضی شوی

السلام علیک یا فاطمه الزهرا، یا زوجه ولی الله

السلام علیک ایتها الصدیقه الشهیده

اللهم اغفر للمومنین و المومنات، و المسلمین للمسلمات، الاحیاء منهم و الاموات

اللهم عجل لولیک الفرج و العافیة و النصر، واجعلنا من اعوانه و انصاره و شیعتہ و موالیه و السابقین الی ارادته و المستشهدین بین یده

اللهم اید الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله





